

مقایسه علل بی‌وفایی مردان و زنان در روابط زناشویی: یک مطالعه کیفی

منصور فتحی^۱، ستار پروین^۱، سید رضا جوادیان^۲

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: بر طبق شواهد و قراین و آمارهای غیر رسمی، امروزه بی‌وفایی زناشویی مردان و زنان به صورت نگران کننده‌ای به یکی از آسیب‌های اجتماعی پنهان جامعه تبدیل شده است. در مطالعه حاضر، علل بی‌وفایی زناشویی مورد مقایسه قرار گرفت و سپس بر مبنای آن، راهکارها و پیشنهادهای کاربردی در خصوص پیشگیری و کاهش بی‌وفایی و استحکام نهاد خانواده ارائه گردید.

روش: در این مطالعه، از روش تحلیل محتوای کیفی (Qualitative content analysis) که یک شیوه پژوهش کیفی به شمار می‌رود، استفاده شد. بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند و معیار اشباع نظری، ۴۰ نفر از مردان و ۳۲ نفر از زنان بی‌وفا در روابط زناشویی در مطالعه شرکت نمودند. جهت جمع‌آوری اطلاعات، روش مصاحبه نیمه ساختار یافته عمیق مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌ها: تحلیل محتوای اطلاعات به دست آمده از مصاحبه‌ها، ۵ درون‌مایه اصلی شامل «مشکلات عاطفی و رفتاری در روابط زناشویی، نارضایتی جنسی، ویژگی‌ها و خصوصیات فردی، مشکلات خانواده خاستگاه و عوامل اجتماعی» را آشکار ساخت.

نتیجه‌گیری: با وجود این که بیشتر مردان مورد مطالعه، عدم ارضای نیازهای جنسی و اغلب زنان مشارکت کننده، برآورده نشدن نیازهای عاطفی در روابط زناشویی را دلیل اصلی بی‌وفایی خود بیان نمودند، اما نباید از تأثیر خصوصیات، نگرش‌ها و ویژگی‌های فردی، خانواده خاستگاه و عوامل کلان اجتماعی و تسهیل کننده در این زمینه غافل ماند.

کلید واژه‌ها: رفتار جنسی، ارتباطات خانوادگی، روابط خارج از ازدواج، بررسی کیفی

ارجاع: فتحی منصور، پروین ستار، جوادیان سید رضا. مقایسه علل بی‌وفایی مردان و زنان در روابط زناشویی: یک مطالعه کیفی. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت ۱۳۹۵؛ ۵ (۴): ۴۰۱-۴۱۸.

تاریخ پذیرش: ۹۵/۴/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۴

۱- استادیار، گروه مددکاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

۲- استادیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

Email: fathi.mansour@gmail.com

نویسنده مسؤول: منصور فتحی

مقدمه

Alfred Kinsey برای اولین بار در سال ۱۹۴۸، داده‌های میزان شیوع بی‌وفایی زناشویی را جمع‌آوری نمود. او دریافت که از ۳۰۸۸ مرد و ۲۰۰۰ زن در آمریکا، به ترتیب ۵۰ و ۲۶ درصد بی‌وفایی زناشویی داشتند. در طول دهه ۱۹۵۰، مبانی نظری زیادی درباره بی‌وفایی زناشویی منتشر شد و مطالعات پراکنده‌ای تا دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در این زمینه انجام گرفت. نگرانی درباره ایدز و رفتارهای پرخطر جنسی باعث شد تا توجه ویژه‌ای به این نوع تحقیقات صورت گیرد. در نتیجه، مطالب مربوط به ادبیات موضوع به طور چشمگیری افزایش یافت (۱).

نتایج مطالعات متعدد نشان می‌دهد که یکی از دلایل عمده طلاق، همسرآزاری و همسرکشی در فرهنگ‌های مختلف بی‌وفایی در روابط زناشویی است (۲). افراد درگیر بی‌وفایی زناشویی با مسایل عاطفی منفی مانند خشم، حسادت، احساس حقارت، ناامیدی و عدم اعتماد به نفس مواجه هستند (۳). افسردگی تجربه مشترک این گروه می‌باشد. آن‌ها ممکن است به دلیل از دست دادن اعتماد به همسرانشان و نقض عهد و پیمان در روابط خصوصی، آسیب‌های شدیدی ببینند. بی‌وفایی زناشویی، ثبات و امنیت خانواده را که برای رشد بهداشت روانی کودکان حایز اهمیت است، تهدید می‌کند (۴) و افراد درگیر را با خطر بیمارهای سرایتی جنسی مواجه می‌نماید (۵).

طبق برآوردها، بین ۲۱ تا ۷۰ درصد زنان و ۲۶ تا ۷۵ درصد مردان در ایالت متحده آمریکا در طول زندگی زناشویی، حداقل یک بار به روابط خارج از ازدواج روی می‌آورند (۱). بر اساس نظرسنجی گالوپ در سال ۲۰۰۸، از ۱۰۲۵ نفر بزرگسال در آمریکا، ۵۴ درصد از پاسخگویان بیان نمودند فردی که به همسرش خیانت کرده است را می‌شناسند (۶).

اگرچه هیچ آماری در ارتباط با میزان شیوع بی‌وفایی زناشویی در کشور ما منتشر نشده است، اما بعضی تحقیقات در درون خود اشاره‌هایی به این مسأله کرده‌اند. به عنوان مثال، نتایج پژوهشی در خصوص پدیده همسرکشی در ۱۵ استان کشور نشان داد که ۶۷ درصد مربوط به قتل زانی است که به دلیل خیانت و

سوء ظن توسط همسران خود به قتل رسیده‌اند (۷).

بررسی‌های علمی جهت شناسایی عوامل و متغیرهای مرتبط با این مشکل به تفکیک جنسیت و پیامدهای آن در جامعه ضرورت اجتناب‌ناپذیری است. در کشورهای مختلف، تحقیقات گوناگونی در زمینه علل و عوامل به وجود آورنده بی‌وفایی زناشویی و روش‌های درمان و پیشگیری آن صورت گرفته است؛ در حالی که در ایران به دلیل تابو بودن، حساسیت زیاد موضوع و واکنش‌های شدید جامعه به عوامل و اعمال مجازات‌های سنگین رسمی و غیر رسمی و عدم دسترسی آسان به افراد درگیر بی‌وفایی زناشویی، پژوهش‌های انجام شده در این زمینه بسیار اندک و ناکافی می‌باشد. همچنین، توجه جدی از سوی کارشناسان و پژوهشگران به بی‌وفایی زناشویی، به عنوان زنگ خطری برای امنیت و سلامت افراد، خانواده و جامعه مبذول نشده است. از سوی دیگر، واکنش جامعه نسبت به بی‌وفایی مردان و زنان متفاوت است؛ از جمله این که خیانت مردان بیشتر قابل پذیرش است؛ در حالی که مبحث زنان در این باره تفاوت دارد و میزان مجازات‌های رسمی و غیر رسمی برای چنین انحرافات در مورد زنان بیشتر از مردان می‌باشد (۸).

به طور قطع، آسیب‌شناسی وفاداری در روابط زناشویی و برنامه‌ریزی جهت پیشگیری، کاهش و رفع عوامل زمینه‌ساز بی‌وفایی، می‌تواند جامعه را در راستای ارتقای سطح سلامت، حفظ نظم و تعادل اجتماعی رهنمون سازد. از این‌رو، مطالعه کیفی حاضر جهت فهم عمیق عوامل تسهیل کننده و زمینه‌ساز بی‌وفایی مردان و زنان و مقایسه این عوامل انجام گرفت.

روش

ماهیت این پژوهش به نحوی می‌باشد که با روش‌های کمی به اطلاعات دقیق و علل اصلی و ریشه‌ای آن نمی‌توان دست یافت، بلکه انجام آن تنها از طریق بهره‌گیری از روش‌های کیفی که در آن بر تعامل با مشارکت کنندگان و فهم دیدگاه‌ها، معانی، بافت یا موقعیت آن‌ها تکیه دارد، میسر است. بنابراین، از روش تحلیل محتوای کیفی (Qualitative content analysis) از نوع تحلیل تماتیک یا مضمونی استفاده شد. این روش، یکی از

به این رابطه گرایش پیدا کنید؟» بود. مصاحبه‌ها بین ۳۰ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامید. میانگین زمانی مصاحبه‌ها نیز حدود ۶۰ دقیقه بود. بلافاصله بعد از هر مصاحبه، تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام شد. ابتدا متن مصاحبه‌ها خط به خط و کلمه به کلمه و با استفاده از عبارات کلیدی موجود در متن یا استنباط شده توسط پژوهشگر، بررسی گردید. کدهای مشابه از نظر ماهیت و معنی در یک طبقه قرار گرفتند. طبقات و کدهای هر مصاحبه با مصاحبه بعدی مقایسه شد تا خواص و روابط مشترک بین آن‌ها شناسایی شود. سپس طبقات مشابه به لحاظ مفهومی و خصوصیات در هم ادغام گردید و حول محور مشترکی قرار گرفت و طبقات وسیع‌تری را تشکیل داد. در ضمن، از آمارهای توصیفی جهت توصیف اطلاعات دموگرافیک بهره گرفته شد. برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد (Trustworthiness) (معادل اعتبار و روایی در تحقیقات کمی)، از سه تکنیک متعارف و مرسوم (۱۱-۱۳) استفاده گردید که در ادامه آمده است.

کنترل یا اعتباریابی توسط اعضا: در این روش بعد از کدگذاری اولیه، متن مصاحبه‌ها و کدهای استخراج شده در اختیار همه مشارکت کنندگان قرار گرفت و به جز دو مورد که نظرات آن‌ها نیز اعمال گردید، بقیه افراد صحت متون پیاده شده و کدهای استخراج شده را تأیید نمودند.

مقایسه‌های تحلیلی: در این روش به داده‌های خام رجوع گردید تا ساختار بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی گردد.

استفاده از تکنیک ممیزی: در این زمینه سه متخصص در حوزه تحلیل محتوای کیفی، بر مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات نظارت داشتند.

در ابتدای مصاحبه، در خصوص هدف تحقیق، روش مصاحبه، حفظ گمنامی و محرمانه بودن اطلاعات، اختیاری بودن شرکت در مطالعه و برخورداری از حق کناره‌گیری از پژوهش، به مشارکت کنندگان توضیح داده شد. همچنین، از مشارکت کنندگان جهت ضبط مصاحبه‌ها قبل از شروع مصاحبه اجازه گرفته شد. داده‌های خام مطالعه در جای امنی نگهداری گردید و تنها برای تیم تحقیق قابل دسترسی بود.

روش‌های کلاسیک برای تحلیل متن به شمار می‌رود. بر اساس مطالعه‌ای، ایده اصلی در تحلیل آن است که تعداد زیادی از واژه‌های متن در طبقات محتوایی محدودتری دسته‌بندی شوند. در این روش، اعداد به هیچ وجه نقش مهمی را ایفا نمی‌کنند. استفاده از واژه‌ها بسیار متداول می‌باشد و محقق امیدوار است تا طیف معانی را که یک واژه می‌تواند در کاربرد طبیعی آن داشته باشد، کشف نماید (۹). تحلیل محتوای کیفی به ماوراء شمارش واژه‌ها حرکت می‌کند؛ چرا که حجم وسیعی از متن را در تعدادی از طبقات ارائه می‌نماید. این طبقات می‌تواند ارتباط آشکار یا ارتباط استنباطی را نمایش دهد. در حقیقت، هدف تحلیل محتوا، فراهم کردن دانش و درک از پدیده مورد مطالعه است (۱۰).

افراد مشارکت کننده تحقیق حاضر را مردان و زنان بی‌وفا در روابط زناشویی که به منظور انجام مشاوره، به چهار مرکز مشاوره و کلینیک مددکاری اجتماعی (در شمال، جنوب، مرکز و شرق تهران) مراجعه نموده بودند، تشکیل دادند. منظور از بی‌وفایی زناشویی در این مطالعه، داشتن تجربه حداقل یک بار رابطه جنسی در دوران متأهلی با فردی غیر از همسر بود.

بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند (Purposeful sampling) و معیار اشباع نظری، ۴۰ نفر از مردان و ۳۲ نفر از زنان بی‌وفا در روابط زناشویی در این مطالعه شرکت نمودند. لازم به ذکر است که اشباع نظری در مردان پس از مصاحبه با نمونه ۳۳ و در زنان پس از مصاحبه با نمونه ۲۸ حاصل شد، اما جهت اطمینان بیشتر، چند مصاحبه دیگر نیز صورت گرفت که تجزیه و تحلیل آن‌ها باعث ایجاد کد مفهومی جدیدی نگردید.

جهت جمع‌آوری داده‌ها، از تکنیک مصاحبه نیمه ساختار یافته عمیق استفاده شد. این نوع مصاحبه به دلیل انعطاف و عمیق بودن، برای پژوهش‌های کیفی مناسب است. مصاحبه با سؤالات کلی و با حساسیت کمتر شروع شد و به سمت سؤالات جزئی‌تر پیش رفت. سؤالات مصاحبه شامل «چقدر از زندگی زناشویی رضایت دارید؟ آیا دوستی دارید که رابطه خارج از زناشویی داشته باشد؟ نظرت راجع به رابطه عاطفی یا جنسی با فردی غیر از همسر چیست؟ از چه زمانی ایده رابطه با فردی غیر از همسر را داشتید؟ و چه چیزی باعث شد

جدول ۱. مشکلات عاطفی و رفتاری مشارکت‌کنندگان در روابط زناشویی

طبقه اصلی	طبقه فرعی	کدها
مشکلات عاطفی و رفتاری مردان در روابط زناشویی	فقدان جذابیت‌های مورد انتظار برآورده نشدن نیازهای عاطفی رفتارهای طرد کننده	عدم رضایت از تناسب اندام همسر (چاقی، لاغری و نداشتن هیكل مناسب)، عدم رضایت از ظاهر و پوشش در خانه، بی‌توجهی زن به ظاهر (آرایش نکردن و نداشتن پوشش مناسب و جذاب در خانه) بی‌توجهی همسر، عدم ابراز محبت، از بین رفتن عشق و علاقه حساسیت‌های زیاد زن و کنترل شوهر، مشاجره، درگیری و قهر طولانی با همسر، مطرح شدن بحث طلاق به دلیل اختلافات، اتهام رابطه به شوهر، بداخلاقی زن (بدهنی، غر زدن‌های مداوم)، رفتار غیر قابل تحمل همسر، رفتارهای تحقیرآمیز همسر (مقایسه شوهر با مردهای دیگر و تمسخر او نزد دیگران)، گذراندن اوقات با دوستان از طریق تلفن، تفریح، مسافرت و...، تنبلی و شلختگی
مشکلات عاطفی و رفتاری زنان در روابط زناشویی	چالش‌های ناشی از تفاوت‌ها برآورده نشدن انتظارات ازدواج فقدان جذابیت‌های مورد انتظار برآورده نشدن نیازهای عاطفی رفتارهای طرد کننده	اختلاف در عقاید و باورهای مذهبی، اختلاف سلیقه در طرز پوشش، معاشرت با خانواده و دوستان، فاصله بین خصوصیات اخلاقی و رفتاری با همسر عدم تطابق همسر با معیارهای ازدواج، داشتن حس برتری نسبت به همسر بها ندادن شوهر به پوشش و نظافت شخصی، قابل اتکا نبودن شوهر (ظاهر و کردار بچه‌گانه)، داشتن زندگی کسالت‌بار (محیط خشک، سرد و بی‌روح) فقدان محبت و صمیمیت از طرف شوهر، بی‌محلی از طرف شوهر، فقدان توجه، تعریف نکردن شوهر از همسر، عدم درک از سوی همسر، احساس تنهایی، تعریف و تمجید نکردن همسر درگیری و مشاجره با همسر، ایراد گرفتن از زن، کم‌حرف بودن و صحبت نکردن شوهر (سکوت طولانی)، توهین و تحقیر توسط شوهر، زدن اتهام خیانت به زن توسط شوهر، خشونت جسمی توسط شوهر، قهر طولانی شوهر، برخورد بچه‌گانه با زن، سوءظن شوهر، دمدمی مزاج بودن شوهر، گوش نکردن همسر، ابراز تنفر شوهر از زن، ایجاد محدودیت (کنترل) توسط همسر، تهدید به طلاق توسط شوهر، بداخلاقی و بدهنی شوهر، بی‌مسئولیتی و رقیق‌بازی، درگیری در کار و غفلت از خانواده
	چالش‌های ناشی از تفاوت‌ها برآورده نشدن انتظارات ازدواج	اختلاف سلیقه با همسر، احساساتی و هیجانی بودن زن در مقابل روتین و آرام بودن مرد، فاصله سنی، فاصله بین خصوصیات اخلاقی و رفتاری با شوهر عدم تطابق همسر با معیارهای ازدواج، داشتن حس برتری نسبت به همسر

یافته‌ها

میانگین سنی مردان بی‌وفا در روابط زناشویی، ۳۹ سال و زنان ۳۴ سال و در هر دو جنس میانگین اختلاف سنی با همسران، حدود ۵ سال بود. بیشترین مورد بی‌وفایی زناشویی مردان بین ۶ تا ۱۰ سال بعد از ازدواج و زنان در ۵ سال اول ازدواج آن‌ها به وقوع پیوسته بود. اغلب مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر دارای فرزند بودند. بیشتر زنان مورد مطالعه، خانه‌دار بودند؛ در حالی که در بین مردان، مشاغل کارمند، مغازه‌دار و فروشنده (اغلب لوازم زنانه) و راننده تاکسی و آژانس به ترتیب بیشترین تعداد را به خود اختصاص داد.

تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از شرکت‌کنندگان در خصوص عوامل زمینه‌ساز بی‌وفایی مردان و زنان در روابط زناشویی، منجر به استخراج ۵ طبقه اصلی «نارضایتی عاطفی و رفتاری در روابط زناشویی، نارضایتی

جنسی، ویژگی‌ها و خصوصیات فردی، مشکلات خانواده خاستگاه و عوامل اجتماعی» گردید که در ادامه به تفصیل بیان شده است.

مشکلات عاطفی و رفتاری در روابط زناشویی:

ارضای نیازهای روحی و روانی در روابط زناشویی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ به طوری که در پژوهش حاضر، بیشتر زنان و تعدادی از مردان به مشکلات عدیده‌ای در این زمینه اذعان و آن را عاملی برای گرایش به روابط خارج از ازدواج بیان نمودند. در جدول ۱ به کدها و طبقات برگرفته از مصاحبه‌ها اشاره شده است.

هرچند طبقات فرعی مشکلات عاطفی و رفتاری مردان و زنان با هم مشترک می‌باشد، اما در اغلب موارد، کدهای مستخرج با همدیگر متفاوت است. در طبقه فرعی جذابیت‌های مورد انتظار از ازدواج، برای مردان جذابیت

استیلا خوبی نداره، اصلاً تو خونه به خودش نمی‌رسه. زن من فکر می‌کنه نظافت یعنی تمیزی خونه، لباس جذاب و تحریک کننده نمی‌پوشه. فقط موقعی که بیرون می‌ره خودش را آرایش می‌کنه. همیشه بوی پیاز داغ و قورمه سبزی می‌ده» (شرکت کننده شماره ۲، مرد ۳۴ ساله با ۸ سال زندگی مشترک).

برآورده نشدن نیازهای عاطفی: ارضای نیازهای عاطفی در روابط زناشویی اهمیت زیادی دارد؛ به طوری که در پژوهش حاضر، بیشتر زنان و تعدادی از مردان مشارکت کننده به مشکلات عدیده‌ای در این زمینه اذعان و آن را عاملی برای گرایش به روابط خارج از ازدواج بیان نمودند. هرچند برای هر دو جنس فقدان عشق و علاقه یک خلأ مهم در روابط زناشویی محسوب می‌شد، اما برای مردان درک علاقه همسر و برای زنان ابراز علاقه از راه‌های مختلف و مستمر توسط همسر حایز اهمیت می‌باشد.

«شوهرم بهم محبت نمی‌کنه. بعد از ۵ سال زندگی مشترک، دیگه به آخر خط رسیدم. من جوانم آرزو دارم، خیلی محبت می‌خواهم، اما شوهرم درکم نمی‌کند. الان دنبال محبت می‌گردم، نمی‌دانم کجا پیدا کنم. خیلی پشیمان شدم با این ازدواج کردم. فقط به فکر خودش و شکمشه. دیگه به آخر خط رسیدم» (شرکت کننده شماره ۳، زن ۲۳ ساله با ۵ سال زندگی مشترک).

«ایراد زنم اینه که زیاد اجتماعی و روابط عمومی بالایی دارد. دوست دارد همه‌اش بیرون باشد. تو خونه بند نمی‌شه. تو خونه هم که هست، یک‌سره با دوستانش صحبت می‌کند. با دوستانش مسافرت می‌رود. انگار نه انگار که من هم آدمم... به محبت و توجه نیاز دارم» (شرکت کننده شماره ۴، مرد ۴۰ ساله با ۲۰ سال زندگی مشترک).

رفتارهای طرد کننده: در روابط زناشویی اکثر مشارکت کنندگان، غلبه با رفتارهای دافعه و طرد کننده همچون قهرهای طولانی، مشاجره و درگیری، خشونت کلامی، روانی و جسمی بود. زنان بیشتر از پرخاشگری کلامی (بداخلاق) و آزار روانی (تحقیر و توهین) استفاده می‌کردند و مردان علاوه بر خشونت‌های روانی، در مواقعی هم به خشونت‌های فیزیکی نیز متوسل می‌شدند.

جسمانی (تناسب اندام، زیبایی و ظاهر) و برای زنان کردار و قابل اتکا بودن همسر اهمیت ویژه‌ای دارد. در طبقه نیازهای عاطفی، هرچند برای هر دو جنس فقدان عشق و علاقه مهم است، اما برای مردان درک علاقه همسر کفایت می‌کند؛ در حالی که برای زنان، ابراز علاقه از راه‌های مختلف و مستمر مانند تعریف، تمجید و توجه حایز اهمیت است. در طبقه فرعی رفتارهای طرد کننده، هرچند بداخلاق در هر دو جنس مشترک می‌باشد، اما زنان علاوه بر آن متحمل آزارهای روانی (ابراز تنفر همسر، تهدید به طلاق، ایجاد محدودیت و کنترل) و خشونت جسمی نیز بودند. در طبقه فرعی چالش‌های ناشی از تفاوت‌ها، اختلاف باورها و سلیق در هر دو جنس مشترک بود، اما برای زنان اختلاف ویژگی‌های شخصیتی و علایق مانند هیجانی بودن در برابر روتین و آرام بودن از اهمیت خاصی برخوردار است. همچنین، هر دو جنس معتقد بودند که انتظارات آن‌ها از ازدواج برآورده نشده است و خود را برتر از همسر خود می‌دانستند. در ادامه به تشریح طبقات فرعی و نمونه‌های شایع که افراد شرکت کننده، تأکید بیشتری بر آن‌ها داشتند، پرداخته شد.

فقدان جذابیت‌های مورد انتظار از ازدواج: اغلب

مشارکت کنندگان معتقد بودند که زندگی مشترک آن‌ها فاقد جذابیت‌های لازم است. هرچند که برای مردان جذابیت جسمانی همسر از جمله تناسب اندام، زیبایی ظاهری، توجه به پوشش و آرایش و برای زنان بیشتر خصوصیات اخلاقی و رفتاری، قابل اتکا و مسؤولیت‌پذیر بودن همسر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود.

«من دوست داشتم شوهرم مردانگی، ابهت و متانت خودش را داشته باشد. به جایش عصبانی و خشمگین شود. وقتی شوهرم را با دیگران مقایسه می‌کنم، از این که نمی‌تونه حقش را بگیرد، بدم می‌آید. همه فکر می‌کنند مرد خونه منم... من دوست دارم در زندگیم مرد داشته باشم و بهش تکیه کنم نه این که اون به من تکیه کند» (شرکت کننده شماره ۱، زن ۲۹ ساله با ۶ سال زندگی مشترک).

«زن اگه قیافه و اندام خوبی نداشته باشه، مرد به سراغ زن‌های دیگر می‌ره. برای مرد قیافه و زیبایی خیلی مهمه. زنم

چالش‌های ناشی از تفاوت‌ها: تعدادی از افراد

مشارکت کننده دارای اختلافات اساسی در عقاید، باورها و سلايق با همسر خود بودند که این اختلافات، از موانع ایجاد صمیمیت در بین زوجین بود. البته برای زنان اختلاف ویژگی‌های شخصیتی و علایق مانند هیجانی بودن در برابر روتین و آرام بودن از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد.

«خصوصیات اخلاقی‌مان متفاوت است. دوست داشتم

همسرم پرشور باشد و نیازهای مرا برآورده کند، اما شوهر من فردی آرام، گوشه‌گیر و دنبال کار است. دوست دارد صبح سرکار برود و بعد از ظهر هم بیاد خونه بگیره بخوابه و شامش را بخورد. زندگی تکراری را دوست دارد» (شرکت کننده شماره ۹، زن ۲۶ ساله با ۴ سال زندگی مشترک).

«خیلی از هم دوریم. دنیای متفاوتی داریم. من اهل شعر

و رمان و هنر هستم، اما همسرم در یک فاز دیگر است... همسرم مدام از من انتقاد می‌کند که هیچ برنامه‌ای برای تفریح ندارم. راستش از رفتن به سینما، رستوران و مسافرت گروهی خوشم نمی‌آید» (شرکت کننده شماره ۱۰، مرد ۳۸ ساله با ۱۲ سال زندگی مشترک).

نارضایتی جنسی: یکی از مقولات مهم و تأثیرگذار در

گرایش مردان و زنان متأهل به بی‌وفایی، رضایت پایین آن‌ها از روابط جنسی می‌باشد. کدهای متعددی از مصاحبه‌ها در این خصوص به دست آمد که در جدول ۲ ارایه شده است.

«شوهرم وقتی وقتی عصبی می‌شه، دست بزن دارم... یک هفته

بعد از عروسی، کنکم زد. وقتی ناراحت می‌شدم و گریه می‌کردم، منو می‌زد و می‌گفت گریه نکن. سرم را به دیوار می‌کوبید، سرم باد می‌کرد و از سرم خون می‌اومد. چهار بار پرده گوشم پاره شده، یک بار بینی‌ام شکسته... شکایت کردیم» (شرکت کننده شماره ۵، زن ۲۰ ساله با ۴ سال زندگی مشترک).

«از غر زدن و گیر دادن‌هایش خسته شدم و دوست ندارم

خونه بیام. همه‌اش پرخاشگری می‌کرد. خیلی وقت‌ها از سر لج و لجبازی به سمت خانم‌های دیگر رفتم» (شرکت کننده شماره ۶، مرد ۳۷ ساله با ۷ سال زندگی مشترک).

برآورده نشدن انتظارات ازدواج: محقق نشدن

انتظارات از ازدواج، فاصله زیاد همسر با فرد دلخواه، احساس برتری نسبت به همسر و احساس اجحاف از دلایل نارضایتی زناشویی می‌باشد که تعدادی از افراد مشارکت کننده به آن اذعان داشتند و خود را به داشتن رابطه فرازناشویی محق می‌دانند.

«همیشه احساس می‌کنم حیف شدم؛ چون من ارزش

سرترم. هر کی می‌بینه، می‌گه چطور همچین زنی را به این مرد دادند» (شرکت کننده شماره ۷، زن ۳۲ ساله با ۶ سال زندگی مشترک).

«همسرم زن ایده‌آل من نیست... چیزی نبود که من

می‌خواستم. نمی‌شه روش حساب کرد» (شرکت کننده شماره ۸، مرد ۲۹ ساله با ۷ سال زندگی مشترک).

جدول ۲. مشکلات جنسی افراد مشارکت کننده در روابط زناشویی

کدها	طبقه اصلی	طبقه فرعی	کدها
دید منفی همسر نسبت به رابطه، امتناع همسر از نوع خاصی از رابطه، شرم داشتن و قطع رابطه به دلیل بارداری فضای کوچک خانه، داشتن فرزند نوجوان، زندگی با خانواده همسر در یک آپارتمان	مشکلات جنسی مردان در رابطه با همسر	مشکلات ناشی از تفاوت نگرش محدودیت‌های موقعیتی کیفیت پایین رابطه	عدم همراهی همسر، زده شدن از رابطه به دلیل امتناع همسر، یکنواخت بودن رابطه، نداشتن جذابیت جنسی همسر، لذت نبردن از رابطه جنسی با همسر، عدم علاقه به همسر و برقراری رابطه تنها به عنوان وظیفه، سرد مزاجی همسر، تحقیر توسط همسر به دلیل انزال زودرس و ناتوانی جنسی
تعداد کم رابطه، امتناع همسر از برقراری رابطه جنسی، میل جنسی زیاد مرد و عدم توانایی زن در پاسخ به آن، تمایل به رابطه جنسی با خشونت	مشکلات جنسی زنان در رابطه با همسر	عدم تناسب تمایلات جنسی کیفیت پایین رابطه محدودیت‌های موقعیتی رابطه زجرآور	انزال زودرس شوهر، بلد نبودن شوهر، آماده نکردن برای رابطه، یکنواخت بودن رابطه، عدم ابراز احساسات عاطفی و عاشقانه در رابطه، عدم ارضا در رابطه، لذت نبردن از رابطه، تن دادن به رابطه به عنوان وظیفه، برقراری رابطه از روی عادت فضای کوچک خانه، داشتن فرزند نوجوان
اصرار شوهر بر رابطه زمانی که زن آمادگی ندارد، بی‌توجهی به خواسته‌های زن، تأثیر اعتیاد شوهر بر رابطه جنسی، طولانی بودن رابطه شوهر به خاطر مصرف مواد، انزال دیررس شوهر، امتناع از رابطه جنسی و دردناک بودن رابطه به دلیل تنفر از شوهر، تن دادن به رابطه برای به دست آوردن امتیاز، عدم رعایت بهداشت فردی توسط شوهر	عدم تناسب تمایلات جنسی		تعداد کم رابطه، امتناع شوهر از برقراری رابطه جنسی، ناتوانی جنسی شوهر، تحقیر زن به خاطر داشتن میل جنسی زیاد، خودارضایی به دلیل مشکلات جنسی همسر، میل جنسی زیاد مرد و عدم توانایی زن در پاسخ به آن، عصبانیت به خاطر برآورده نشدن نیازهای جنسی، میل جنسی زیاد زن و ناتوانی مرد در برآوردن نیازهای جنسی همسر

رسید. در دوران شیردهی (یک سال بعد از زایمان) همسرم تمایل به رابطه نداشت؛ چون بلافاصله نمی‌تونست دوش بگیرد، امتناع می‌کرد؛ چون اعتقاد داشت باید با حالت پاک‌ی به بچه شیر داد. بعد از تولد بچه دوم که ناخواسته بود، رابطه‌مان بدتر شد» (شرکت کننده شماره ۱۱، مرد ۳۵ ساله با ۱۵ سال زندگی مشترک).

«نرم از رابطه جنسی هیچی بلد نیست. فکر می‌کنه که این باید در تاریکی انجام بشه و کار زشتی است» (شرکت کننده شماره ۱۲، مرد ۳۴ ساله با ۶ سال زندگی مشترک).

محدودیت‌های موقعیتی: تأثیر فضای آرام و ایمن محیط خانه بر داشتن رابطه جنسی رضایت‌بخش، انکارناپذیر است. تعدادی از مردان و زنان مشارکت کننده به دلیل داشتن خانه کوچک، فرزند نوجوان و زندگی با اعضای خانواده خاستگاه (در یک دستگاه آپارتمان) در رابطه جنسی با محدودیت‌هایی مواجه بودند.

«در خونه دو بچه نوجوان داریم (پسر از ازدواج قبلی همسر و دخترم)... محدودیت ایجاد کرده. سر شب نمی‌تونیم رابطه جنسی داشته باشیم. مجبوریم صبح‌ها رابطه داشته باشیم. من اصلاً میلم نمی‌کشد» (شرکت کننده شماره ۱۳، زن ۴۴ ساله با ۲۰ سال زندگی مشترک).

«از بدو ازدواج در منزل مادر خانم بودیم. در یک واحد آپارتمان دو خوابه... در یک خواب‌خواهر خانم، مادر خانم در حال و ما هم در یک خواب‌دیگر می‌خوابیم. حضور آن‌ها باعث شده در لباس پوشیدن، ابراز احساسات و رابطه جنسی محدودیت‌هایی وجود داشته باشد» (شرکت کننده شماره ۱۴، مرد ۴۵ ساله با ۱۸ سال زندگی مشترک).

کیفیت پایین رابطه: فقدان آموزش در خصوص روابط جنسی سالم و رضایت‌بخش به زوجین و از طرف دیگر، افزایش آگاهی زنان و تغییر نگرش آن‌ها در خصوص روابط جنسی رضایت‌بخش از طریق تعامل با دوستان (تبادل تجربیات)، مشاهده فیلم‌های سکسی و در برخی موارد تجارب قبل از ازدواج، باعث شده است که زنان مانند گذشته به مفعول بودن در رابطه جنسی اکتفا نکنند و به دنبال رضایت از این رابطه باشند. عدم آگاهی اغلب همسران افراد مورد مطالعه

اگرچه تفکیک رضایت جنسی و عاطفی در روابط زناشویی از یکدیگر دشوار است، اما بیشتر مردان بی‌وفا در روابط زناشویی، نارضایتی جنسی را به عنوان انگیزه اصلی بی‌وفایی خود بیان نمودند. همچنین، مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌ها نشان دهنده آن است که اهمیت دادن به بدن و لذت جنسی به مرور جای خود را به پیش‌زمینه‌های ذهنی منفی از امر جنسی در میان زنان داده است. عدم وجود رابطه جنسی رضایت‌بخش و ارضا کننده، موجبات نارضایتی عاطفی را تا حدودی به همراه داشته است. در ارتباط با مشکلات جنسی مشارکت کنندگان، در هر دو جنس شباهت‌هایی از جمله محدودیت‌های موقعیتی، کیفیت پایین رابطه و عدم تناسب تمایلات جنسی وجود داشت، اما طبقه نگرش منفی همسران به رابطه جنسی در مردان و در زنان، زجرآور بودن رابطه متفاوت بود. ضمن این که در طبقه کیفیت رابطه، عدم جذابیت جنسی و همراهی نکردن همسر برای مردان و عدم ابراز احساسات و آماده نکردن برای رابطه برای زنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. طبقه زجرآور بودن رابطه که فقط در خصوص زنان صدق می‌کند، یعنی رابطه‌ای که بدون آمادگی و علاقه و از روی وظیفه، عادت و یا برای به دست آوردن امتیاز صورت می‌گیرد. رابطه‌ای یک طرفه که زنان در آن احساس مفعول بودن را دارند. در ادامه طبقات فرعی و نمونه‌های شایع که مشارکت کنندگان تأکید بیشتری بر آن‌ها داشتند، آمده است.

مشکلات ناشی از تفاوت نگرش: تابو بودن مسأله جنسی و فقدان آموزش‌های مناسب در این زمینه، باعث شده است که تعدادی از همسران افراد مورد بررسی، نگرش منفی به رابطه جنسی داشته باشند و یا این که با وجود عدم منع پزشکی، در دوران بارداری و حتی تا یک سال بعد از زایمان از برقراری رابطه جنسی امتناع نمایند و این یکی از دلایل گرایش تعدادی از مردان به روابط خارج از ازدواج بود.

«از زمان بارداری تا به حال (بچه ۱/۵ سال) رابطه جنسی‌مان قطع شده است. قبل از بچه‌دار شدن هفته‌ای دو بار بود، اما از دوران بارداری و تا یک سال بعد از زایمان رابطه جنسی خیلی کم شد؛ به طوری که حتی به سه ماه یک بار

زندگی مشترک).

«در روابط جنسی با همسر، من بیشتر تمایل دارم و تقریباً میل من برای هر شب است، اما ایشان کمتر پاسخ می‌دهد و بارها به من اعتراض می‌کند که من خسته شدم و توانایی این کار را ندارم» (شرکت کننده شماره ۱۸، مرد ۳۰ ساله با ۶ سال زندگی مشترک).

رابطه زجرآور: از آن‌جا که رضایت عاطفی و جنسی ارتباط تنگاتنگی با هم دارند و لازمه رضایت جنسی، رضایت عاطفی و علاقه طرفین است، به همین دلیل زنانی که به دلیل ازدواج اجباری و یا در طول زندگی مشترک از همسرانشان متنفر شده بودند، نه تنها رابطه جنسی رضایت‌بخشی نداشتند، بلکه این رابطه برای آن‌ها دردناک و زجرآور بوده است.

«چون منو به زور به پسر خاله‌ام داده بودند، بعد از ازدواج تا دو سال اجازه سکس کامل را نمی‌دادم و باکره بودم. هم می‌ترسیدم و هم داغون بودم... نمی‌خواستم. در رابطه جنسی من هیچ لذتی نمی‌برم. وقتی دخول انجام می‌شود، دچار انقباض عضلانی می‌شوم و رابطه درناک می‌شود» (شرکت کننده شماره ۱۹، زن ۲۸ ساله با ۷ سال زندگی مشترک).

ویژگی‌ها و خصوصیات فردی: علاوه بر نارضایتی زناشویی، برخی ویژگی‌های فردی و خصوصیات شخصیتی نیز در تمایل فرد به روابط خارج از ازدواج تأثیرگذار بود که کدها و طبقات مستخرج از مصاحبه‌ها در جدول ۳ ارائه گردیده است.

در این زمینه و برقراری رابطه جنسی بدون ایجاد آمادگی، موجب عدم ارضا و دلزدگی از رابطه جنسی زناشویی گردیده است. ضمن این که عمده مشکلات مردان مشارکت کننده، عدم جذابیت جنسی و همراهی نکردن همسر و در زنان عدم ابراز احساسات و آماده نکردن همسر است.

«قبل از رابطه، آماده نمی‌کند. به من می‌گفت بیا تو شروع کن. می‌گفتم پس من چی؟ خودش ارضا می‌شد و منو رها می‌کرد. بهش التماس می‌کنم که منو لمس و نوازش بکند، اما توجه نمی‌کند. هیچ وقت در طول زندگی ارضا نشدم» (شرکت کننده شماره ۱۵، زن ۴۵ ساله با ۱۶ سال زندگی مشترک).

«رابطه جنسی با زخم را اصلاً دوست ندارم؛ چون هیچ علاقه و رغبتی بهش ندارم، به همین خاطر لذت نمی‌برم. فقط در حد وظیفه این کار را می‌کنم» (شرکت کننده شماره ۱۶، مرد ۳۵ ساله با ۸ سال زندگی مشترک).

عدم تناسب تمایلات جنسی: تمایلات شدید جنسی برخی از افراد مشارکت کننده و ناتوانی همسران در برآوردن نیازهای آن‌ها، منجر به نارضایتی شدید جنسی گردیده است. «اوایل ازدواج میل من روزی ۵ بار بود و الآن هرشب است، اما شوهرم چون مشکل جنسی دارد، نمی‌تونه به تقاضای من پاسخ دهد و می‌گه خسته‌ام. هرچه لباس آزاد و تحریک کننده می‌پوشیدم، اما تأثیر ندارد. چون نیاز جنسی‌ام برآورده نمی‌شود، خیلی عصبی می‌شوم و بهانه‌گیری می‌کنم» (شرکت کننده شماره ۱۷، زن ۲۴ ساله با ۵ سال

جدول ۳. ویژگی‌ها، نگرش‌ها و تجارب فردی تأثیرگذار در بی‌وفایی مردان و زنان

طبقه اصلی	طبقه فرعی	کدها
ویژگی‌ها، نگرش‌ها و تجارب مردان	نگرش‌های خودخواهانه ویژگی‌های فردی	بی‌ضرر دانستن رابطه خارج از ازدواج برای همسر، محقق دانستن خود برای برقراری رابطه تنوع‌طلبی و هیجان‌خواهی، ضعف اعتماد به نفس، اثبات جذابیت، مردانگی و جوانی، جبران ناتوانی‌های جنسی (انزال زودرس و...)
ویژگی‌ها، نگرش‌ها و تجارب زنان	تجارب نگرش‌های خودخواهانه	عادی شدن ارتباط با جنس مخالف، عادت کردن به رابطه با زنان، مقایسه همسر با زن‌هایی که ارتباط داشته، تسری رابطه قبل از ازدواج به بعد از ازدواج بی‌ضرر دانستن رابطه خارج از ازدواج برای همسر، محقق دانستن خود برای برقراری رابطه، احساس محدودیت در ازدواج
	ویژگی‌های فردی تجارب	تنوع‌طلبی و هیجان‌خواهی، ضعف اعتماد به نفس، نیاز به جلب توجه عادی شدن ارتباط با جنس مخالف، عادت کردن به رابطه با مردان، مقایسه همسر با مردهایی که ارتباط داشته، تسری رابطه قبل از ازدواج به بعد از ازدواج

اعتماد به نفس پایینی داشتند. تعدادی از آن‌هایی که با مشکلات زود انزالی و ناتوانی جنسی مواجه بودند، از طریق درگیری در روابط قبل از ازدواج، به دنبال جبران ناکامی‌ها و سرخوردگی‌های خود بودند. اغلب زنان مشارکت کننده نیز به دلیل مشکلات قبل و بعد از ازدواج، از اعتماد به نفس پایینی برخوردار بودند و در برابر توجه شرکای جنسی و اغواگری آن‌ها آسیب‌پذیر بودند.

«از دوران مجردی آدم تنوع‌طلبی بودم. هم‌زمان با چند نفر دوست بودم. از شوهرم زده شدم، دوست دارم جوانی کنم. بعد از ازدواج به این نتیجه رسیدم که هر رابطه‌ای که به ازدواج ختم می‌شود، روزمرگی می‌شه... ازدواج همه چیز را عادی می‌کند و من با این چیزها میانه خوبی ندارم» (شرکت کننده شماره ۲۲، زن ۲۴ ساله با ۳ سال زندگی مشترک).

«از رابطه جنسی با همسرم دلزده شدم، دوست دارم با زن‌های دیگه هم رابطه داشته باشم. به هر حال آدم هر روز یک نوع غذا هم بخورد، زده می‌شه» (شرکت کننده شماره ۲۳، مرد ۲۸ ساله با ۵ سال زندگی مشترک).

تجارب: اغلب مردان بی‌وفا و حدود نیمی از زنان مورد مطالعه، قبل از ازدواج با جنس مخالف رابطه دوستانه و عاطفی داشتند و حتی تعدادی از آن‌ها مبادرت به رابطه جنسی نیز نموده‌اند. این روابط در تعدادی از افراد به بعد از ازدواج نیز تسری پیدا کرده است؛ به طوری که از بدو ازدواج ایده رابطه با جنس مخالف را داشتند.

«از اول ازدواج فکرم درگیر دوست پسرهايم بود. با خیلی از پسرها دوست بودم... شاید ۳۰ نفر. با یک نفر که ۸ سال دوست بودم، رابطه جنسی داشتم. از دوران مجردی آدم تنوع‌طلبی بودم و هم‌زمان با چند نفر دوست بودم» (شرکت کننده شماره ۲۴، زن ۲۷ ساله با ۸ سال زندگی مشترک).

«قبل از ازدواج روابط متعدد جنسی داشتم و حتی همسرم هم از این روابط قبل از ازدواج اطلاع داشت و چندین بار نزد مشاور هم رفتیم. ایشان امیدوار بود که بعد از ازدواج درست می‌شوم، با من ازدواج نمود، اما من همچنان بعد از ازدواج نیز با زنان متعددی رابطه داشتم» (شرکت کننده شماره ۲۵، مرد ۳۲ ساله با ۵ سال زندگی مشترک).

با توجه به کدها و طبقات مستخرج از مصاحبه‌ها، بخش عمده‌ای از خصوصیات و ویژگی‌های فردی زمینه‌ساز بی‌وفایی زناشویی در بین دو جنس مشترک می‌باشد که از آن جمله می‌توان به بی‌ضرر دانستن رابطه خارج از ازدواج برای همسر، محق دانستن خود برای برقراری رابطه، تنوع‌طلبی و هیجان‌خواهی، ضعف اعتماد به نفس، تسری رابطه قبل از ازدواج به بعد از ازدواج و عادی شدن رابطه با جنس مخالف اشاره نمود. با وجود این که بخش عمده‌ای از ویژگی‌ها مشترک بود، اما در برخی زمینه‌ها تفاوت‌هایی نیز وجود داشت. از جمله این که اثبات جذابیت، مردانگی و جوانی و نیز جبران ناتوانی‌های جنسی (انزال زودرس و...) برای مردان و احساس محدودیت در ازدواج و نیاز به جلب توجه برای زنان از عوامل زمینه‌ساز بود.

در ادامه طبقات فرعی و نمونه‌هایی از اظهارات افراد شرکت کننده بیان شده است.

نگرش‌های خودخواهانه: اغلب مردان و تعدادی از زنان بی‌وفا، روابط خارج از ازدواج خود را برای روابط زناشویی بی‌ضرر و خود را به داشتن چنین رابطه‌ای محق می‌دانستند.

«من برای زن و بچه کم نگذاشتم. اتفاقاً بر عکس موقعی که با این خانم رابطه دارم، سعی می‌کنم به زن و بچه‌ام بیشتر توجه کنم. به نوعی احساس دین بیشتری می‌کنم. برایش هدیه می‌خرم» (شرکت کننده شماره ۲۰، مرد ۳۱ ساله ۷ سال زندگی مشترک).

«از وقتی که با این آقا رابطه برقرار کردم، روحیه‌ام بهتر شده، به موقع غذا درست می‌کنم و خونه را مرتب می‌کنم. سعی می‌کنم با همسر و بچه‌هام رابطه بهتری داشته باشم. این رابطه تأثیر خوبی در زندگی من داشته است» (شرکت کننده شماره ۲۱، زن ۳۳ ساله با ۵ سال زندگی مشترک).

ویژگی‌های فردی: اغلب مردان و برخی از زنان درگیر در روابط خارج از ازدواج به دلیل داشتن ویژگی‌های تنوع‌طلبی و هیجان‌خواهی، از بودن در کنار همسر و پایبندی به او و تحمل محدودیت‌های ازدواج احساس خوشایندی نداشتند و به دنبال ارضای هیجان‌خواهی و تنوع‌طلبی خود از طریق رابطه با افراد دیگر بودند. همچنین، برخی از مردان مورد بررسی

جدول ۴. مشکلات خانواده خاستگاه مردان و زنان بی‌وفا

طبقه اصلی	طبقه فرعی	کدها
مشکلات خانواده خاستگاه مردان	مشکلات ارتباطی با خانواده همسر محیط متشنج خانه مشکلات ازدواج	دخالت والدین در مسایل زناشویی، مطرح شدن بحث طلاق توسط خانواده‌ها خشونت توسط اعضای خانواده، درگیری و مشاجره بین اعضای خانواده مخالفت خانواده با ازدواج با فرد دلخواه، ازدواج تحمیلی و مصلحتی
مشکلات خانواده خاستگاه زنان	مشکلات ارتباطی با خانواده همسر محیط متشنج خانه مشکلات ازدواج	بی‌احترامی شوهر به خانواده همسر، اختلاف شوهر با خانواده همسر، توجه بیش از اندازه شوهر به خانواده خود و غفلت از همسر، اختلاف با خانواده شوهر خشونت توسط اعضای خانواده، درگیری و مشاجره بین اعضای خانواده، طلاق والدین، اعتیاد والدین مخالفت خانواده با ازدواج با فرد دلخواه، ازدواج تحمیلی و مصلحتی

شماره ۲۶، مرد ۳۴ ساله با ۷ سال زندگی مشترک).

محیط متشنج خانه: محیط متشنج خانه پدری و روابط سرد اعضای خانواده، سخت‌گیری و کنترل رفت و آمدها و... باعث شده است تا تعدادی از زنان مورد مطالعه به منظور رهایی از این مشکلات و به دست آوردن آزادی، تن به ازدواج‌های بدون علاقه و شناخت بدهند. ضمن این که تعدادی از مردان نیز به متشنج بودن خانه پدری و فقدان صمیمیت بین اعضای خانواده اذعان داشتند.

«کانون سردی داشتیم. روابط بین والدینم خوب نبود. رفت و آمدهایم توسط پدر و برادرانم کنترل می‌شد. حق جواب دادن به تلفن نداشتم. مادرم خیلی روی اعصابم راه می‌رفت و کتکم می‌زد. آرزو می‌کردم زودتر ازدواج کنم و برم (فرار از خانه)» (شرکت کننده شماره ۲۷، زن ۳۲ ساله با ۸ سال زندگی مشترک).

مشکلات ازدواج: مخالفت خانواده با ازدواج فرد دلخواه و ازدواج اجباری یا تحمیلی، یکی دیگر از مشکلات تعدادی از زنان و مردان درگیر در بی‌وفایی زناشویی بود که در برخی از آن‌ها روابط و دوستی‌های قبل از ازدواج به بعد از ازدواج تسری پیدا کرده بود.

«عاشق دختری بودم، اما خانواده منو وادار کردند با یه فردی دیگه ازدواج کنم» (شرکت کننده شماره ۲۸، مرد ۴۴ ساله با ۱۹ سال زندگی مشترک).

«۱۸ سالم بود و نمی‌خواستم ازدواج کنم. به زور منو به پسر خاله‌ام دادند. من از این ازدواج متنفر بودم. مادرم گفت چون مسأله ازدواج شما در فامیل پیچیده، اگر ازدواج نکنی آبروریزی می‌شه. به مخالفت من توجه نکردند...» (شرکت کننده شماره ۲۹، زن ۳۰ ساله با ۹ سال زندگی مشترک).

مشکلات خانواده خاستگاه: اساس و پایه‌های اعتماد و

امنیت فرد، در دوران کودکی و در محیط خانه شکل می‌گیرد، اما محیط متشنج خانه و مشاجره و درگیری بین والدین و عدم ابراز محبت کافی به فرزندان، احساس ناامنی و تشویش را در آن‌ها به وجود می‌آورد که اثرات مخرب آن در دوران بزرگسالی و بعد از ازدواج فرد را آسیب‌پذیر می‌کند. تعدادی از افراد مورد مطالعه در دوران کودکی از مشاجره و درگیری مداوم بین والدین خود رنج می‌بردند. همچنین، علت اصلی مشکلات زناشویی تعدادی از مردان و زنان مورد بررسی را باید در ازدواج نادرست و بدون علاقه و شناخت آن‌ها جستجو کرد. کدها و طبقات جدول ۴ در خصوص مشکلات خانواده خاستگاه و زمان ازدواج، از مصاحبه‌های صورت گرفته با افراد مورد مطالعه استخراج گردید. بخش عمده‌ای از مسایل و مشکلات خانواده خاستگاه از جمله داشتن محیط متشنج خانه و مخالفت خانواده با ازدواج با فرد دلخواه، در بین زنان و مردان مشترک بود، اما زنان علاوه بر موارد مذکور، با مشکلات بیشتری در خصوص طلاق و اعتیاد والدین مواجه بودند و به دلیل محدودیت جامعه برای دختران، ازدواج برای آن‌ها راهی برای فرار از موقعیت تنش‌زای خانواده بود.

مشکلات ارتباطی با خانواده همسر: تعدادی از

مشارکت کنندگان، ریشه مشکلات زناشویی خود را دخالت‌های خانواده همسر می‌دانستند و در تعامل با آن‌ها مشکلات جدی داشتند.

«مشکلات ما زمانی شروع شد که خانمم پای خانواده خود را به مسایل شخصی ما باز کرد... از آن بعد دخالت‌های بی‌جای آن‌ها زندگی ما را تا مرز طلاق پیش برد» (شرکت کننده

جدول ۵. عوامل اجتماعی زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده بی‌وفایی مردان و زنان

طبقه اصلی	طبقه فرعی	کدها
عوامل اجتماعی زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده بی‌وفایی مردان	تسهیل‌گری وسایل ارتباطی و فضای مجازی	فرصت تعامل با جنس مخالف، گمنامی و امکان ورود به حریم خصوصی، عادی جلوه دادن ارتباط با جنس مخالف
عوامل اجتماعی زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده بی‌وفایی مردان	سهل‌گیری نسبت به مردان	سوء استفاده از امکان تعدد زوجات و ازدواج موقت مردان، اغماض نسبت به روابط فرازنشویی مردان
عوامل اجتماعی زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده بی‌وفایی مردان	تغییر نگرش	تغییر ارزش‌های مربوط به وفاداری و تعهد، کاهش قبح بی‌وفایی، تأثیر دوستان دارای تجربه خیانت
عوامل اجتماعی زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده بی‌وفایی مردان	دشواری‌های طلاق	سرزش اطرافیان و فرزندان، تنزل اعتبار اجتماعی، هزینه‌های مالی طلاق، مشکلات تربیت فرزندان
عوامل اجتماعی زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده بی‌وفایی مردان	تسهیل‌گری وسایل ارتباطی و فضای مجازی	فرصت تعامل با جنس مخالف، گمنامی و امکان ورود به حریم خصوصی، عادی جلوه دادن ارتباط با جنس مخالف در فیلم‌های ماهواره
عوامل اجتماعی زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده بی‌وفایی مردان	تغییر نگرش	تغییر ارزش‌های مربوط به وفاداری و تعهد، کاهش قبح بی‌وفایی، تأثیر دوستان دارای تجربه خیانت
عوامل اجتماعی زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده بی‌وفایی مردان	دشواری‌های طلاق	سرزش اطرافیان و فرزندان، تنزل اعتبار اجتماعی، انگ طلاق و طرد اجتماعی، مشکلات زندگی مستقل، موانع قانونی طلاق، مشکلات تربیت فرزندان

خارج از زناشویی اذعان داشتند.

«به فیلم‌هایی که از ماهواره پخش می‌شود، خیلی علاقه دارم. اگه فیلم خیانتی باشه، خودم را به جای آن‌ها می‌گذارم و باهاشون ارتباط برقرار می‌کنم» (شرکت‌کننده شماره ۳۰، زن ۳۲ ساله با ۷ سال زندگی مشترک).

«به راحتی شماره می‌دادم و بهش می‌گفتم که کی زنگ بزنه؛ در حالی که قبلاً که موبایل نبود، سخت بود و نمی‌شد شماره خونه را بدی. الان که موبایل است به راحتی در دسترس هستی. از طریق پیامک با هم در ارتباط هستیم. گوشی‌ام همیشه در کنارم هست و پسورد دارد و خانمم نمی‌تونه شماره‌هایی که باهاش در تماس هستیم را چک کند» (شرکت‌کننده شماره ۳۱، مرد ۲۹ ساله با ۵ سال زندگی مشترک).

سهل‌گیری نسبت به مردان: نگرش‌های مجاز و سهل‌گیرانه جامعه به دلیل امکان تعدد زوجات و ازدواج موقت برای مردان و اغماض و یا به عبارت دیگر، تحمل آن از سوی زنان قربانی بی‌وفایی زناشویی، به دلایلی از جمله وابستگی مالی و عاطفی، وجود فرزندان، نداشتن خانواده حمایت‌گر و تشویق آن‌ها به ادامه زندگی و در یک کلام عواقب ناگوار طلاق، آن‌ها را وادار به ادامه زندگی در کنار همسران بی‌وفای خود می‌نمود و مردان نیز با علم به این قضیه نگرانی زیادی بابت افشای رابطه خارج از ازدواج خود نداشتند.

«نرم از اول ازدواج می‌دونست که من با زن‌های دیگر ارتباط دارم. اوایل اعتراض می‌کرد و من هم می‌گفتم همین‌ها که هست. می‌خواهی بمون، نمی‌خواهی برو به سلامت... خانواده

عوامل اجتماعی: علاوه بر عوامل فردی و خانوادگی،

عوامل کلان نیز در بی‌وفایی زناشویی نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. کدها و طبقات جدول ۵ در خصوص عوامل اجتماعی زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده بی‌وفایی زناشویی، از مصاحبه‌های انجام گرفته با مشارکت‌کنندگان به دست آمد.

کدها و طبقات مستخرج از مصاحبه‌ها بیانگر آن است که بخشی از عوامل اجتماعی زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده بی‌وفایی از جمله تسهیل‌گری وسایل ارتباطی و فضای مجازی (در فراهم نمودن تعامل با جنس مخالف، گمنامی و امکان ورود به حریم خصوصی و عادی جلوه دادن ارتباط با جنس مخالف) و تغییر نگرش جامعه نسبت به بی‌وفایی زناشویی در هر دو جنس مشترک بود، اما در خصوص دشواری‌های طلاق، با وجود برخی زمینه‌های مشترک از جمله سرزنش اطرافیان و فرزندان، مشکلات تربیت فرزندان و تنزل اعتبار اجتماعی، مردان با هزینه‌های مالی و زنان با هزینه‌های سنگین اجتماعی از جمله انگ مطلقه بودن، موانع قانونی در طلاق و تشکیل زندگی مستقل مواجه بودند. ضمن این که جامعه نسبت به بی‌وفایی مردان نگرش سهل‌گیرانه دارد.

تسهیل‌گری وسایل ارتباطی و فضای مجازی:

امکان تعامل بین دو جنس از طریق فضای مجازی (اینترنت) و تلفنی (تلفن همراه) افزایش یافته است و افراد مورد مطالعه به راحتی با شرکای جنسی خود ارتباط داشتند. همچنین، اغلب مشارکت‌کنندگان ماهواره داشتند و بیش از نیمی از آن‌ها به تأثیر فیلم‌های ماهواره در تغییر نگرش، شروع و تداوم رابطه

را ندارد، تازه آگه داشته باشه هم مگه می‌شه به این راحتی ثابت کرد. دیدم آگه تقاضای طلاق کنم راه به جایی نمی‌برم و وضع از اینم بدتر می‌شه، منصرف شدم» (شرکت کننده شماره ۳۶، زن ۲۹ ساله با ۶ سال زندگی مشترک).

بحث

نتایج مطالعه حاضر نشان می‌دهد که نارضایتی عاطفی برای زنان و نارضایتی جنسی برای مردان در روابط زناشویی، به عنوان مقوله اصلی و محوری در گرایش به بی‌وفایی زناشویی محسوب می‌شود. اگرچه مردان نارضایتی جنسی و زنان نارضایتی عاطفی زناشویی را به عنوان انگیزه اصلی بی‌وفایی خود بیان نمودند، اما تفکیک رضایت جنسی و عاطفی از یکدیگر دشوار است؛ چرا که رضایت عاطفی در اغلب مواقع زمینه‌ساز داشتن رابطه جنسی رضایت‌بخش می‌باشد (به استثنای مواردی که به ناتوانی جنسی و سرد مزاجی مبتلا هستند). از طرف دیگر، وجود رابطه جنسی رضایت‌بخش، تا حدودی رضایت عاطفی را به همراه دارد. این یافته با نتایج مطالعات Glass و Staeheli (۱۴)، Allen و Atkins (۱۵) و Campbell (۱۶) همخوانی داشت. آن‌ها نشان دادند که بین رضایت زناشویی و روابط خارج از ازدواج در هر دو جنس رابطه وجود دارد، اما میزان این رابطه در بین زنان بیشتر است و نارضایتی زناشویی عامل مهمی برای روابط خارج از ازدواج زنان محسوب می‌شود، اما ممکن است عوامل شخصی برای مردان عامل مهمی باشد (۱۶-۱۴).

بر اساس نتایج بیشتر مطالعات، اغلب افراد علت بی‌وفایی خود را مشکلات زناشویی ذکر می‌نمایند. یافته‌های پژوهش Brown و همکاران نشان داد که اولین مرحله در بی‌وفایی زوجین نسبت به یکدیگر، نارضایتی و تعارض به حدی است که امیدی به بهبود نباشد (۱۷). در پژوهشی دیگر مشخص شد که ۷۰ درصد از افراد، بی‌وفایی خود را به مشکلات زناشویی نسبت دادند (۱۵).

اغلب مردان و تعدادی از زنان پژوهش حاضر، به کمیت و کیفیت پایین رضایت جنسی اشاره نمودند. این یافته با نتایج پژوهش‌های Allen و Atkins (۱۵)، Campbell (۱۶)،

همسرهم نیز از روابط من اطلاع دارند و اون‌ها دخترشان را به ادامه زندگی تشویق می‌کنند. بهش گفتند که مرد می‌تونه چند تا زن داشته باشه، تو زندگیات را تباه نکن» (شرکت کننده شماره ۳۲، مرد ۳۵ ساله با ۱۴ سال زندگی مشترک).

تغییر نگرش: بیشتر مردان و حدود نیمی از زنان مشارکت کننده، نگرش منفی به بی‌وفایی خود نداشتند و همچنین، دارای دوستانی بودند که روابط خارج از ازدواج داشتند. دوستان به طور مسقیم و یا غیر مستقیم بر نگرش افراد جهت داشتن رابطه خارج از ازدواج و تداوم آن تأثیرگذار بودند. «کتر دوستان (متأهل و مجرد) من اهل خانم بازی هستند و برای من تعریف می‌کنند. تو جمعی که هستیم همه با افتخار از این اقدام تعریف و تمجید می‌کنند» (شرکت کننده شماره ۳۳، مرد ۳۶ ساله با ۱۵ سال زندگی مشترک).

«حدود یک سال پیش مشکلات زندگی (با شوهرم) را با دوستانم در میان گذاشتم، گفتند برو با یکی دوست شو که قدر تو را بدونه؛ چون این طوری داغون می‌شی. دوستانم خیلی روی من تأثیر گذاشتند؛ چون ذهنم را آماده کرده بودند... وقتی موقعیتش پیش اومد، گفتم چرا که نه...» (شرکت کننده شماره ۳۴، زن ۲۴ ساله با ۶ سال زندگی مشترک).

دشواری‌های طلاق: بیشتر زنان درگیر در بی‌وفایی، با وجود داشتن مشکلات عدیده در روابط عاطفی و جنسی زناشویی، به دلایل مختلفی از جمله بچه‌ها، ترس از عواقب طلاق، وابستگی مالی به شوهر و فقدان خانواده حمایت‌گر، مشکلات خانه پدری، فقدان حق طلاق از اقدام به جدایی قانونی اجتناب کرده بودند. همچنین، تعدادی از مردان مورد بررسی نیز با وجود این که با همسرانشان طلاق عاطفی داشتند، اما به دلیل مشکلات و پیامدهای طلاق از جمله فرزندان، سرزنش‌های اطرافیان و... از اقدام به طلاق صرف نظر نموده بودند.

«چند بار به طلاق فکر کردم، اما به خاطر بچه‌ها به زندگی ادامه می‌دهم. می‌ترسم بعدها سرزنشم کنند» (شرکت کننده شماره ۳۵، مرد ۴۰ ساله با ۱۷ سال زندگی مشترک).

«حق طلاق با مرد است... زن هیچ حقی در این زمینه ندارد. من آگه به دادگاه مراجعه کنم می‌گند ثابت کن شوهرت معتاده، روانیه، خرجی نمی‌ده، اما شوهر من هیچ کدوم از این‌ها

روابط خارج از ازدواج، با نظریه نظریه‌های برابری (Equity theory)، سرمایه‌گذاری (Investment) و مدل‌های تحقق نیازها (Need fulfillment)، توسعه خود (Self-expansion model) و کمبود (Deficit model) (۲۴)، همسو است. بر اساس نظریه‌ها و مدل‌های مذکور، انگیزه برای بی‌وفایی زناشویی، به علت نقص و مشکلات در ازدواج است و این رابطه به احتمال زیاد برای جبران بخشی از ازدواج است که به درستی کار نمی‌کند. به عبارت دیگر، چنانچه تحقق نیازها در روابط زناشویی مقدور نباشد، این امکان وجود دارد شریکی که نیازش تحقق نیافته است، به احتمال زیاد خود را مجاز بداند که نیاز خود را با فرد دیگری در قالب روابط خارج از ازدواج تحقق بخشد. اگرچه بی‌وفایی زناشویی یک معلول چند علیتی می‌باشد و نظریه‌های متعددی از جنبه‌های مختلف به تبیین آن پرداخته، اما به تأثیر خصوصیات، نگرش‌ها و ویژگی‌های فردی، عوامل کلان و نیز بی‌وفایی که به عنوان نتیجه فرصت اتفاق می‌افتد، توجه نکرده‌اند. همچنین، در توضیح این که چرا افراد راضی و متعهد به روابط زناشویی، ممکن است دست به روابط خارج از ازدواج بزنند، عاجز هستند.

اغلب مردان و تعداد اندکی از زنان مورد بررسی، میل به تنوع و هیجان‌خواهی را عامل گرایش به روابط خارج از ازدواج بیان نمودند که این یافته با نتایج مطالعه Jayson که معتقد است تمایلات متعدد فردی در گرایش فرد به روابط خارج از ازدواج جنسی مؤثر است (۶) و همچنین، نتایج پژوهش شیردل (۲۵) همسو بود.

اغلب زنان و تعدادی از مردان مورد مطالعه، اعتماد به نفس پایینی داشتند. این یافته نیز با نتایج مطالعه Touesnard که در آن یکی از انگیزه‌های درونی برای بی‌وفایی، تقویت اعتماد به نفس بیان شد (۲۴)، همخوانی داشت. بر اساس نتایج بررسی او، زمانی که فرد از مسایل اعتماد به نفس و فقدان آن رنج می‌برد، جذابیت‌های روابط خارج از ازدواج افزایش و موانع و عوامل بازدارنده و تنفر از آن کاهش پیدا می‌کند. در واقع، فرد از طریق روابط خارج از ازدواج به دنبال افزایش اعتماد به نفس است (۲۴).

Ziherl و Masten (۱۸) و Jefferson (۱۹) مشابهت داشت. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که ناراضی جنسی، پیش‌بینی کننده قوی‌تری در بین مردان نسبت به زنان برای داشتن روابط خارج از ازدواج است (۱۶، ۱۸، ۱۹). برخی شواهد نشان می‌دهد که ماهیت بی‌وفایی مردان و زنان متفاوت است. نتایج تحقیق Atkins و همکاران نشان داد که مردان درگیر در روابط خارج از ازدواج، نسبت به زنان به طور قابل ملاحظه‌ای از روابط جنسی زناشویی خود ناراضی بودند (۲۰). این تفاوت‌ها به انتظارات متفاوت جنسیتی و جامعه‌پذیری نقش جنسیت که در آن زنان را بیشتر به دوست داشتن و مردان را به داشتن رابطه جنسی سوق می‌دهد، مربوط است. یافته‌های برخی مطالعات حاکی از آن است که بین روابط خارج از ازدواج و رضایت جنسی بین مردان رابطه وجود دارد، اما در بین زنان این رابطه وجود ندارد یا این که این رابطه در مردان قوی‌تر می‌باشد (۱۶). پژوهش فوق به این نتیجه رسید که مردان دارای روابط خارج از ازدواج، به طور معنی‌داری بیش از مردان وفادار از روابط زناشویی خود ناراضی بودند (۱۶). یافته‌های پژوهش شاه‌سیاه و همکاران که با هدف تعیین رابطه تعهد زناشویی و رضایت جنسی در زوجین شهرستان شهرضا انجام گرفت، نشان داد که بین تعهد زناشویی و رضایت جنسی ارتباط معنی‌داری وجود دارد (۲۱). پژوهشی دیگر نیز یکی از علل خیانت در زوجین را کمبودهای جنسی و عاطفی یا عدم جذابیت جنسی در هر یک از زوجین عنوان کردند (۱۶). کیفیت پایین یا کمی رابطه جنسی در روابط زناشویی و عدم تشابه و تفاهم در ازدواج، از جمله عوامل زمینه‌ساز رابطه جنسی خارج از ازدواج می‌باشد که شاید درگیری افراد در این رابطه به عنوان ابزاری جهت بازگرداندن تعادل باشد (۱۶). زوجی که رضایت جنسی ندارند، به احتمال زیاد تمایل پیدا می‌کنند این رابطه را حداقل با یک رابطه جنسی خارج از زناشویی جبران کنند (۲۲). البته رضایت جنسی در روابط زناشویی برای زوجینی که سابقه خیانت داشتند، اهمیت کمتری در ارتکاب داشت (۲۳). یافته‌های بررسی حاضر در خصوص تأثیر مشکلات جنسی و عاطفی زناشویی در سوق یافتن افراد مورد مطالعه به

عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار می‌توان به تجارب تلخ دوران کودکی از جمله سابقه خشونت توسط اعضای خانواده، محیط متشنج خانه و درگیری و مشاجره بین والدین، اعتیاد، طلاق و فوت والدین و سابقه رابطه با جنس مخالف قبل از ازدواج اشاره نمود. همچنین، نمی‌توان از کنار سنگ‌بنای اشتباه در امر ازدواج از جمله ازدواج‌های تحمیلی، مصلحتی، ازدواج در سنین پایین و فقدان بلوغ فکری و عاطفی به راحتی گذشت؛ چرا که ریشه این مشکل در برخی از افراد مورد مطالعه از بدو ازدواج بوده که با علاقمندی صورت نگرفته است. خانواده‌ها و در برخی موارد خود افراد به دلیل ترس از دادن شانس ازدواج، تن به ازدواج‌های اجباری داده‌اند.

دوستان و شبکه‌های اجتماعی و تجارب روابط قبل از ازدواج نیز در گرایش به بی‌وفایی نقش بسزایی ایفا می‌کند. این نتیجه با یافته‌های مطالعه Buunk و Bakker (۲۷) همسو است. آن‌ها معتقد هستند زمانی که دوستان یا خانواده افراد درگیر بی‌وفایی زناشویی باشند، تمایل بیشتری به این کار دارند (۲۷). آشنا بودن با فردی که درگیر بی‌وفایی زناشویی است، شخص را به سمت این روابط سوق می‌دهد. اگر فردی زمان زیادی را صرف گوش کردن به تجربیات دیگران در خصوص روابط خارج از ازدواج کند، ممکن است از نگرش منفی وی به این روابط کاسته شود و این احساس در او ایجاد شود که آن یک رفتار بهنجار اجتماعی می‌باشد و به سمت داشتن روابط خارج از ازدواج سوق پیدا کند.

بیشتر افراد مورد مطالعه سابقه دوستی و رابطه با جنس مخالف قبل از ازدواج داشتند و حتی برخی از آن‌ها به رابطه جنسی نیز ختم شده بود. این یافته نیز با نتایج پژوهش Touesnard همخوانی داشت. وی به این نتیجه رسید که افرادی که قبل از ازدواج اولین رابطه جنسی‌شان با شرکای رضایت‌بخش بوده است، گرایش بیشتری به داشتن روابط خارج از ازدواج در مراحل بعدی زندگی داشتند (۲۴). فرض بر این است که شخص دارای روابط جنسی متعدد قبل از ازدواج، بیشتر دید مثبت نسبت به مسایل جنسی دارد و ممکن است احساس کند که داشتن شرکای متعدد جنسی نسبت به یک شریک، رضایت بیشتری ایجاد می‌کند.

بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر، بیشترین مورد بی‌وفایی زناشویی در ۱۰ سال اول ازدواج صورت گرفته بود که با نتایج پژوهش Liu (۲۳) مشابه بود. وی به این نتیجه رسید که روابط جنسی خارج از ازدواج مردان، در سال هفتم و زنان در سال هشتم ازدواج به اوج خود می‌رسد (۲۳)، اما با نتایج پژوهش شاه‌سیاه و همکاران که نشان داد بین طول مدت ازدواج با تعهد زناشویی و رضایت جنسی رابطه وجود دارد و هرچه طول مدت ازدواج کمتر باشد، تعهد و رضایت جنسی بیشتر است (۲۱)، همخوانی نداشت. همچنین، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که بیشترین میزان بی‌وفایی زناشویی در سنین ۳۵-۲۶ سال اتفاق افتاده است. این نتیجه با یافته‌های پژوهش Amato و Rogers که احتمال تجربه روابط خارج از ازدواج در بین زوجین جوان‌تر (کم سن و سال‌تر) را بیشتر نشان می‌دهد (۲۶)، همسو است؛ در حالی که یافته‌های پژوهش Atkins و همکاران نشان داد زوجینی که در سنین بالا ازدواج کردند، تجربه بیشتری از خیانت داشتند (۲۲).

بیش از نیمی از زنان بی‌وفا در روابط زناشویی، خانه‌دار بودند. این نتایج با یافته‌های مطالعه Atkins و همکاران (۲۲) مطابقت داشت. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که بی‌وفایی زناشویی در بین زوجینی که تنها یکی از آن‌ها شاغل بود، بیش از زوجینی است که هر دو شاغل می‌باشند. به دلیل این که اگر یکی از زوجین شاغل باشد، ممکن است همراهی، آرامش و صمیمیت را با همکاری که می‌تواند او را بهتر درک و همراهی کند، پیدا کند (۲۲).

طبق بررسی به عمل آمده، اغلب مردان و زنان درگیر در روابط خارج از ازدواج، فرزند داشتند. این یافته نشان می‌دهد که وجود فرزند بر خلاف نظر Liu که داشتن فرزند را نوعی سرمایه‌گذاری انسانی (Human capital investment) و پای‌بند کننده فرد به خانواده‌اش می‌داند (۲۳)، مانع و عامل بازدارنده بی‌وفایی زناشویی نگردیده است (۱). فرض بر این است که فرزندان مانند سدهایی در مقابل بی‌وفایی زناشویی هستند؛ چرا که می‌توانند سرمایه‌گذاری فرد را در رابطه زناشویی افزایش دهند.

بر مبنای اطلاعات به دست آمده از مطالعه حاضر، از

محدودیت‌ها: به دلیل پیامدهای ناگوار حقوقی و اجتماعی افشای بی‌وفایی زناشویی به ویژه برای زنان و تابو بودن رابطه جنسی، صحبت در این حوزه در جامعه و در بسیاری از موارد ناخوشایند و جستجو و کنکاش پیرامون آن به عنوان تجسس در حوزه خصوصی افراد محسوب می‌گردد. این امر دستیابی به افراد مورد نظر را با مشکل مواجه نمود و به همین دلیل پژوهشگر مجبور به انتخاب نمونه‌ها از مراجعان به مراکز مشاوره گردید.

همچنین، عدم همکاری برخی از مسؤولان مراکز و مؤسسات به دلیل حساسیت زیاد موضوع و نگرانی مراجع کنندگان از افشای هویت و اطلاعات شخصی، از دیگر محدودیت‌های پژوهش می‌باشد.

نتیجه‌گیری

برآیند نهایی به دست آمده از نتایج تحقیق حاضر بیانگر آن است که ویژگی‌ها و خصوصیات فردی، ناراضایتی عاطفی و جنسی در روابط زناشویی، مشکلات خانواده خاستگاه و عوامل اجتماعی، از جمله عوامل زمینه‌ساز و تسهیل کننده در گرایش افراد متأهل به بی‌وفایی زناشویی می‌باشد. از ویژگی‌های فردی که در گرایش مردان به بی‌وفایی تأثیر دارد، می‌توان به میل به تنوع‌طلبی، نیاز به اثبات مردانگی، احساس جوانی و بی‌ضرر دانستن و نگرش مثبت به این نوع رابطه و در حوزه فردی زنان نیز به ضعف اعتقادات و باورهای مذهبی، تنوع‌طلبی و هیجان‌خواهی، پایین بودن اعتماد به نفس و نیاز به جلب توجه در تمایل آنان به روابط خارج از ازدواج اشاره نمود. از عوامل زناشویی زمینه‌ساز بی‌وفایی نیز می‌توان به برآورده نشدن توقعات ازدواج و عدم ارضای نیازهای عاطفی و جنسی در روابط زناشویی اشاره کرد. مسایل و مشکلات خانواده خاستگاه، یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در گرایش به بی‌وفایی زناشویی بود. در واقع، علت اصلی ریشه برخی از مشکلات زناشویی تعدادی از مردان و زنان مورد بررسی را باید در محیط متشنج خانواده پدری، ازدواج نادرست و بدون علاقه و شناخت آن‌ها جستجو کرد.

از جمله عوامل اجتماعی تأثیرگذار و تسهیل کننده در

اغلب مردان مورد مطالعه متأثر از امکان تعدد زوجات و ازدواج موقت و نگرش‌های سهل‌گیرانه جامعه نسبت به بی‌وفایی مردان، نگرش مجازی به روابط خارج از ازدواج داشتند و آن را برای روابط زناشویی خود بی‌ضرر می‌دانستند. این یافته با نتایج تحقیقات (5) Smith و (28) Kleine مشابهت داشت. آنان نتیجه‌گیری کردند که هرچه فرد لیبرال‌تر باشد، نگرش مجازی نسبت به روابط خارج از ازدواج خواهد داشت و بیشتر تمایل دارد که در آن شرکت کند (28، 5).

باید توجه داشت که شرایط اجتماعی در جامعه، به دلیل گسترش روزافزون ارزش‌های مدرن از طریق ارتباطات و رسانه‌های جمعی، به طور مداوم در حال تغییر می‌باشد و امکان تعامل بین دو جنس از طریق فضای مجازی (اینترنت) و تلفنی (تلفن همراه) افزایش یافته است؛ اگرچه معرفی وسایل ارتباطی به عنوان عامل زمینه‌ساز بی‌وفایی زناشویی خطای بزرگی محسوب می‌شود، اما نمی‌توان از نقش تسهیل‌گری و ایجاد فرصت آن برای بی‌وفایی غافل ماند؛ چرا که در کنار نقش زمینه‌ساز ناراضایتی زناشویی و پایین بودن میزان تعهد زناشویی در بی‌وفایی، به وجود آمدن فرصت چه حضوری و یا مجازی عامل تعیین کننده‌ای دارد. به عبارت دیگر، هرچند بیشتر افراد مورد مطالعه با مشکلات زناشویی در روابط عاطفی و جنسی مواجه بودند، اما مواردی هم وجود داشتند که با وجود رضایت بالای زناشویی، اقدام به بی‌وفایی کرده بودند که علت آن را می‌توان در پایین بودن تعهد زناشویی و فراهم بودن فرصت ارتباط با جنس مخالف و عوامل کلان اجتماعی و فرهنگی در این زمینه جستجو نمود. همچنین، نمی‌توان نقش وسایل ارتباط جمعی و به ویژه ماهواره را نادیده گرفت که با نمایش فیلم‌های متعددی با محتوای خیانت و بی‌وفایی و با هدف تغییر نگرش مخاطبان، عادی جلوه دادن بی‌وفایی و تضعیف بنیان‌های خانواده و...، تردیدهایی در باب عدم مشروعیت روابط خارج از ازدواج در جامعه ایجاد نموده است. ادعان تعدادی از افراد مورد مطالعه به تغییر نگرش بر اثر مشاهده فیلم‌هایی با محتوای خیانت و آماده کردن ذهن آن‌ها به داشتن رابطه خارج از ازدواج و تداوم رابطه، گواهی بر این ادعا است.

آموزش افراد از سنین نوجوانی و آشنایی آن‌ها با نیازهای جنس مخالف و شیوه‌های برقراری تعاملات سالم و ایجاد آمادگی در آن‌ها برای همسرگزینی مناسب و ازدواج سالم و نیز آگاهی دادن به افراد در خصوص پیامدهای روابط نامناسب با جنس مخالف قبل از ازدواج و اثرات مخرب آن بر روابط زناشویی بعد از ازدواج از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی و رسانه‌های ارتباط جمعی

اشاعه فرهنگ استفاده از خدمات مشاوره و مددکاری اجتماعی از طریق توسعه خطوط تلفنی کمک فکری و بحران و یا راه‌اندازی مراکز مشاوره رایگان در راستای ارتقای کیفیت زندگی و بهداشت روانی زوجین، کاهش تعارضات، اختلافات زناشویی و خشونت‌های خانگی و مشاوره با زوجین و آگاهی دادن به آنان از طریق وسایل ارتباط جمعی که در صورت بروز مشکل با این خطوط تماس بگیرند و یا به مراکز مشاوره مراجعه نمایند.

تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله از مشارکت کنندگان و افرادی که در انجام این پژوهش همکاری نمودند، تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

بی‌وفایی مردان، سوء استفاده از امکان تعدد زوجات و ازدواج موقت برای مردان، نگرش‌های سهل‌گیرانه و مجاز جامعه نسبت به بی‌وفایی آن‌ها، تأثیر دوستان، ماهواره و فیلم‌های مستهجن و نقش تسهیل‌گری اینترنت و تلفن همراه (در ایجاد فرصت تعامل با جنس مخالف) و در زنان نیز دشواری طلاق و پیامدهای آن برای زنان، تأثیر دوستان و شبکه‌های اجتماعی و فیلم‌های ماهواره می‌باشد. در مجموع، بی‌وفایی زناشویی معلول چند علیتی است و عوامل فردی، خانوادگی- زناشویی و اجتماعی در بروز آن تأثیر می‌گذارد.

جهت کاهش و جلوگیری از گرایش مردان و زنان متأهل به روابط خارج از حیطه زناشویی، در ادامه راهکارهایی ارائه می‌گردد:

برگزاری کارگاه‌های آموزشی در راستای ارتقای مهارت‌های همسرداری، شیوه‌های برقراری تعامل مفید و سازنده با همسر در خصوص روابط جنسی سالم و رضایت‌بخش و افزایش آگاهی آن‌ها نسبت به نیازهای یکدیگر و چگونگی پاسخدهی مناسب به آن‌ها، الزام زوجین به مشاوره‌های قبل از ازدواج و دادن آگاهی‌های لازم به خانواده‌ها در خصوص پیامدهای ازدواج‌های اجباری

References

- Jeanfreau MM. A Qualitative study investigating the decision-making process of women's participation in marital infidelity [PhD Thesis]. Manhattan, KS: Kansas State University; 2009.
- Khedmatgozar H, Bolhari J, Kramloo S. Infidel spouses. 1st ed. Tehran, Iran: Ghatreh Publications; 2008. [In Persian].
- Lawson A. Adultery: An analysis of love and betrayal. New York, NY: Basic Books; 1988.
- Lusterman DD. Helping children and adults cope with parental infidelity. J Clin Psychol 2005; 61(11): 1439-51.
- Smith DJ. Modern marriage, men's extramarital sex, and HIV risk in southeastern Nigeria. Am J Public Health 2007; 97(6): 997-1005.
- Jayson S. Poll: Infidelity is common knowledge in the USA. USA Today 2008; 4D.
- Keshavarz Aghamohammadi P. Illicit betrayal. Tehran, Iran: Alborz Publications; 2009. [In Persian].
- Ahmadi H. Sociology of social deviance. 1st ed. Tehran, Iran: Samt Publications; 2013. [In Persian].
- Bibangard S. Research methods in psychology and educational sciences. Tehran, Iran: Doran Publications; 2014. [In Persian].
- Mehrdad N, Haghdoost Oskoei SF, Seyedfatemi N. Qualitative content analysis. Tehran, Iran: Boshra Publications; 2013. [In Persian].
- Patton MQ. Qualitative research and evaluation methods. London, UK: SAGE Publications; 2002.
- Silverman D. Doing qualitative research. London, UK: SAGE Publications; 2005.
- Kvale S, Brinkmann S. InterViews: Learning the craft of qualitative research interviewing. London, UK: SAGE Publications; 2009.
- Glass SP, Staeheli JC. Not "Just Friends": Protect your relationship from infidelity and heal the trauma of betrayal. New York, NY: Free Press; 2003.
- Allen ES, Atkins DC. The multidimensional and developmental nature of infidelity: practical applications. J Clin

- Psychol 2005; 61(11): 1371-82.
16. Campbell AM. How selected personality factors affect the relationships between marital satisfaction, sexual satisfaction, and infidelity [PhD Thesis]. Ruston, LA: Louisiana Tech University; 2009.
 17. Brown SL, Sanchez LA, Nock SL, Wright JD. Links between premarital cohabitation and subsequent marital quality, stability, and divorce: A comparison of covenant versus standard marriages. Soc Sci Res 2006; 35(2): 454-70.
 18. Zihelr S, Masten R. Differences in predictors of sexual satisfaction and in sexual satisfaction between female and male university students in Slovenia. Psychiatr Danub 2010; 22(3): 425-9.
 19. Jefferson SG. Relationship and risk factors influencing infidelity in young [MSc Thesis]. Manhattan, KS: Kansas State University; 2009.
 20. Atkins DC, Yi J, Baucom DH, Christensen A. Infidelity in couples seeking marital therapy. J Fam Psychol 2005; 19(3): 470-3.
 21. Shahsiyah, M, Bahrami F, Mohebbi S. On the relationship between sexual satisfaction and marital commitment among couples in Shahreza City, Central part of Iran. J Fundam Ment Health 2009; 11(43): 233-8. [In Persian].
 22. Atkins DC, Baucom DH, Jacobson NS. Understanding infidelity: Correlates in a national random sample. J Fam Psychol 2001; 15(4): 735-49.
 23. Liu C. A Theory of Marital Sexual Life. J Marriage Fam 2000; 62(2): 363-74.
 24. Touesnard LA. Study of the effects of infidelity on contemporary couples [MSc Thesis]. Waterloo, ON: University of Waterloo; 2009.
 25. Shirdel M. Analyzing the factors leading to sexually illicit relationships in men and women [MSc Thesis]. Roudehen, Iran: Islamic Azad University, Roudehen Branch; 2004. [In Persian].
 26. Amato PR, Rogers SJ. A longitudinal study of marital problems and subsequent divorce. 1997; 59(3): 612-24.
 27. Buunk BP, Bakker AB. Extradyadic sex: The Role of Descriptive and Injunctive Norms. J Sex Res 1995; 32(4): 313-8.
 28. Kleine M. The impact of accounts and attributions following marital infidelity [PhD Thesis]. Columbia, MO: University of Missouri; 2007.

Comparing the Causes of Infidelity in Marital Relationships among Men and Women: A Qualitative Research

Mansour Fathi¹, Satar Parvin¹, Seyed Reza Javadian²

Original Article

Abstract

Introduction: Today, the evidence and unofficial indications for disturbing society show the marital infidelity as one of the hidden social problems. In this study, the underlying factors of infidelity in marital relationships among women and men were identified and compared. Moreover, some basic guidelines and practical suggestions on preventing and reducing marital infidelity and strengthening the family relations were presented.

Method: Using qualitative content analysis methodology, and according to the purposive sampling method and theoretical saturation criterion, 40 unfaithful married men and 32 unfaithful married women participated in the study. Data were collected through in-depth, semi-structured interviews.

Results: Through data analysis, 5 main themes were extracted. These themes consisted of “emotional and behavioral problems in marital relationships”, “sexual dissatisfaction”, “attitudes and individual characteristics”, “paternal family problems”, and “social factors”.

Conclusion: Based on the study findings, although majority of male and female participants mentioned sexual dissatisfaction (low quantity and quality) and emotional dissatisfaction as the main reason for their unfaithfulness, respectively, the impact of other paternal family problems, social factors, and attitudes and individual characteristics must be also regarded.

Keywords: Sexual behavior, Family relations, Extramarital relations, Qualitative evaluation

Citation: Fathi M, Parvin S, Javadian SR. **Comparing the Causes of Infidelity in Marital Relationships among Men and Women: A Qualitative Research.** J Qual Res Health Sci 2016; 5(4): 401-18.

Received date: 26.9.2015

Accept date: 20.7.2016

1- Assistant Professor, Department of Social Work, School of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

2- Assistant Professor, Department of Sociology, School of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran

Corresponding Author: Mansour Fathi, Email: fathi.mansour@gmail.com